

روش دکتر عبدالله خان احمدیه در درمان بیماران، تلفیقی از طب سنتی و طب رایج

روشنگر مکبری نژاد^{الف}، الهام اختری^{ب، ج*}

^{الف}گروه طب ایرانی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
^بدانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
^جمؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی-طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

چکیده

سابقه و هدف: از میان استادان برجسته‌ای که در دارالفنون آموزش دیده‌اند به نام‌ترین‌شان در حوزه درمان با طب تلفیقی (طب مدرن و طب سنتی) عبدالله خان احمدیه است. او در سال ۱۲۹۴ خورشیدی از دارالفنون فارغ‌التحصیل شده است. آنچه در حال حاضر این پزشک به نام تاریخ معاصر را مورد توجه دانشکده‌های طب سنتی قرار داده است، نحوه شرح حال‌گیری ایشان و برخورد قدم‌به‌قدم بالینی تا درمان بیمار است. هدف از این مطالعه بررسی روش درمان و نحوه گزارش‌گیری دکتر احمدیه است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به روش کتابخانه‌ای انجام شده که یادداشت‌های در دسترس دکتر احمدیه را مورد بررسی قرار داده است. بخشی از این نسخه‌ها و یادداشت‌ها را مرحوم استاد اصفهانی در یک فایل کامپیوتری جمع‌آوری کرده و بخش دیگر در کتاب «راز درمان» به چاپ رسیده است.

یافته‌ها: دکتر عبدالله خان احمدیه در روال شرح حال‌گیری به احوال چهره، زبان و گوارش بیمار توجه عمیقی داشته است. آنچه در یادداشت‌های ایشان بسیار به چشم می‌خورد دقت در شرح حال‌گیری، ارتباط روزانه با بیمار، خلق نیکو، صرف وقت زیاد طی معاینه و ویزیت بیمار و نسخه‌های تلفیقی است. او بنا به نیاز، هم داروهای طب رایج و هم گیاهان دارویی را در سبد دارویی بیمار در نظر می‌گرفت. آنچه در روند درمان ارزشمند ایشان بسیار به چشم می‌خورد استفاده از بهبود کارکرد گوارشی و اجابت مزاج بیمار جهت تسریع روند بهبودی است.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد بررسی نسخه‌ها و روش درمانی ایشان در دانشکده‌های طب سنتی توسط دانشجویان و در جلسات گزارش صبحگاهی در پیشبرد درمان تلفیقی بتواند رهگشا باشد؛ چرا که یادداشت‌های بارزش دکتر احمدیه فقط یک یادداشت روزانه سیر بیماری نیست، بلکه یک تفکر بنیادین در درمان تلفیقی را به عرصه ظهور رسانده است که امروزه جایگاه ویژه‌ای در بهداشت و درمان اکثر کشورهای توسعه‌یافته دارد.

تاریخ دریافت: آبان ۹۹

تاریخ پذیرش: دی ۹۹

کلیدواژه‌ها: درمان، طب سنتی، طب ایرانی، طب تلفیقی

مقدمه:

بیماری‌ها دست یافته است. حال اگر این پیشرفت‌های چشمگیر را به دانش کل‌نگر طب سنتی ملحق کنیم، طب تلفیقی دریچه‌ای نو به سوی تشخیص و درمان بیماری‌ها بازمی‌نماید. از جمله پزشکانی که قدم‌های اولیه را در این نوع نگاه برداشته‌اند مرحوم دکتر عبدالله خان احمدیه است.

دکتر عبدالله خان احمدیه در سال ۱۲۶۵ ش در شهر آمل چشم به جهان گشود و در مرداد ۱۳۳۸ ش در تهران دار فانی را وداع گفت. تحصیلات مقدماتی را در مدارس قدیمه آمل و تهران و تحصیلات عالی را در مدرسه دارالفنون به پایان رسانید سپس به مدرسه طب رفت و موفق به اخذ دیپلم طب شد. پس

علم طب در طی قرن‌ها پیشرفت چشمگیری داشته است. این پیشرفت در علم و شناسایی کارکردهای بدن آدمی در کنار تجهیزات طبی به تدریج طب رایج را در برابر طب سنتی قرار داد. در این میان پزشکانی هستند که بر توانمندی هر دو طب در کنار هم تکیه کرده‌اند و سعی در پیشبرد طب تلفیقی در شناخت و درمان بیماری‌ها دارند. طب سنتی با تکیه بر ارکان و اخلاط و مزاج با نگاه کل‌نگر به تشخیص و درمان علت اصلی رخداد بیماری‌ها می‌پردازد و طب رایج با نگاه جزءنگر و انبوه فوق تخصص‌ها به پیشرفت‌های قابل توجهی در عرصه درمان

به نظر می‌رسد توجه به دست‌نوشته‌های ایشان نمونه‌ای عملی در کمک به تلفیق طب سنتی و طب رایج باشد و راه را برای هم‌نشینی این دو طب هموار سازد. هدف از این مطالعه نیز بررسی اجمالی روش درمان و نحوه گزارش‌گیری دکتر احمدیه در ویزیت بیماران است.

مواد و روش‌ها:

در این پژوهش که به صورت مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است، دو مجلد جمع‌آوری شده از دست‌نوشته‌های مرحوم استاد محمدمهدی اصفهانی که به چاپ مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی و طب اسلامی رسیده است به همراه کتاب‌های «راز درمان» و «درمان تقرس و سیاتیک» بررسی شدند. موارد دست‌نوشته استاد با شرحی که خود استاد مطرح کرده بودند و توالی درمان‌های طب رایج و سنتی و درمان‌های گیاهی مورد توجه قرار گرفتند و سپس یافته‌ها بررسی و دسته‌بندی شدند. به جهت امانت‌داری نسبت به شرح تشخیص و درمان در متن تغییری داده نشده است.

یافته‌ها:

نوشتن شرح حال بیمار و نوشتن مسیر درمان، شاخصه اصلی دست‌نوشته‌های دکتر احمدیه است (۵). آنچه این دست‌نوشته‌ها را جذاب‌تر کرده است نظم آن‌ها است. شاید این نظم به سال‌های خدمت او در ارتش برمی‌گشت.

ایشان در تمام دوران طبابت خود مسیر درمان هر بیمار را یادداشت می‌کردند تا در سال ۱۳۲۹ش کتاب «راز درمان» و در ۱۳۳۲ش کتاب «درمان تقرس و سیاتیک» را منتشر کردند. آنچه در این یادداشت‌ها برجسته است اعتقاد ایشان به اهمیت کارایی روش‌های درمان تلفیقی بود. این نکته‌ای است که باید مورد توجه دانشکده‌های طب سنتی قرار گیرد و دانشجویان خود را بی‌نیاز از مرور طب رایج و به‌کارگیری آن ندانند.

دکتر عبدالله خان (نامی که مردم عادی به او داده بودند) در پایان هر معاینه و مداوا وضع بیمار و درمان‌های انجام‌شده را در دفترچه‌ای یادداشت می‌کرد. او هر شب این یادداشت‌ها را مطالعه و نکات برجسته آن‌ها را در جزوه‌های مربوط به هر مبحث وارد می‌کرد. به این ترتیب نگارش بیماری و جزئیات

از آن در بیمارستان نظامی احمدیه تهران مشغول به کار شد و در فاصله کوتاهی به سبب دقت نظر و عملکرد خوب به درجه سرگردی رسید. این دوران تا آنجا در ایشان مؤثر بوده که نام «احمدیه» را برای خودش انتخاب کرد. البته او در ارتش نماند و به تدریس بیولوژی و تاریخ طب در مدرسه طب مشغول شد. در سال ۱۳۱۴ش برای مطالعات بیشتر در زمینه پزشکی راهی کشورهای اروپایی شد. پس از بازگشت تا سال وفاتش با این‌که پیشنهادها بسیاری برای پست‌های ریاستی به ایشان شد به جهت توجه‌اش به امر طبابت به‌ویژه طبابت به روش گذشتگان و به‌خاطر تحقیق بیشتر در این زمینه از پذیرفتن این سمت‌ها خودداری کرد و تا آخر عمر آزادانه به طبابت پرداخت و خویش را وقف مردم سرزمینش کرد (۱).

دکتر احمدیه طبیعی بود که دائماً به مطالعه می‌پرداخت. او با آن که دیپلمه طب رایج در ایران بود و مدت‌ها به این طریق طبابت می‌کرد و سفرهایی جهت تحقیقات گسترده‌تر در این زمینه به اروپا داشت، مطالعات زیادی در کتب طبی پیشینیان کرده بود و در رابطه با اصول تداوی به این سبک و استفاده از گیاهان دارویی بررسی‌های گسترده‌ای انجام داده بود تا جایی که در مقدمه کتاب «راز درمان» این‌طور نگاهشده است: «باید تشخیص پزشکی امروز به زیور درمان‌شناسی طب پیشین آراسته گردد تا برای بیمار نتایج مفید داشته باشد. در صورت اقتضا باید به فرضیه و روش پیشینیان توسل جست و به سبک آن‌ها درمان کرد» (۲، ۳).

نحوه نگارش شرح حال و درمان قدم‌به‌قدم دکتر احمدیه ویژگی‌هایی دارد که توجه به آن در آموزش دستیاران طب سنتی، که دیدگاهی درمانی با طب تلفیقی دارند، ارزشمند است.

توجه به همه جوانب فعالیت‌های ارگان‌های بدن بیمار (طب سنتی ایرانی به‌عنوان یک طب کل‌نگر) نکته ظریفی است که در کشیدن نقشه درمان توسط ایشان بسیار به چشم می‌خورد. عدم شتاب‌زدگی در اخذ شرح حال و ویزیت‌های روزانه در ابتدای درمان تلفیقی دکتر احمدیه نیز بسیار قابل توجه است (۴).

او بدون تعصب نسبت به درمان‌های طب رایج و طب سنتی طبابت می‌کرد. آن‌چنان آزادی در کلام و تصمیم داشت چنانکه گویی قلب و عقل او بیمار است و نیاز به درمان دارد، حال این درمان طب رایج باشد یا طب سنتی یا تلفیقی از هر دو! به این ترتیب نگاه بدون تعصب و آزادی او نسبت به هر دو طب روش قدرتمند طب تلفیقی او را به عرصه رساند و درمان‌های ایشان را دارای سبک و هدفمند ساخت. این نکته‌ای است که باید سرلوحه تربیت پزشک در دانشکده‌های پزشکی باشد.

در سخنرانی دسامبر ۱۹۴۷ش در دانشگاه تهران دکتر عبدالله خان احمدیه می‌گوید: «این ویرانه را گنج بسیار است!» و جایی دیگر: «تجویز داروهای گیاهی برابر تحقیقات گذشتگان با توجه به سردی و گرمی طبایع نتیجه‌بخش است و با حال بیمار هماهنگ می‌شود».

حال برای روشن‌تر بیان کردن نحوه طبابت دکتر عبدالله خان احمدیه به نمونه‌هایی از متن کتاب «راز درمان» جلد یک پرداخته می‌شود که به قلم خود ایشان نگاشته شده است.

شرح حال بیمار شماره یک:

«مردی دموی مزاج با عارضه تب درحالی‌که اجابت مزاج نداشت داروی کینین تجویز شده بود، زبان وی خشک و زرد، رنگ پوست بدن تیره و مایل به سیاهی، بروز لکه‌های درشت در ساق پاها، تورم قوزک پا، افزایش فشار خون. ابتدا به خارج کردن خون فکر کردم، ولی خانواده وی موافق نبودند. سپس تنقیه با فلوس، جوشانده شیرخشت، نیلوفر، عناب، سپستان، ریشه کاسنی و تخم کاسنی دستور دادم و نوشیدن آب لیمو و آلو توصیه نمودم».

توجه به نحوه اجابت مزاج بیمار و نبود راه دفعی، تسلط به داروی کینین و پیش‌نیاز تجویز دارو، بیان احوال بیمار به زبانی ساده به همان شکلی که بوده و ضبط آن، شاخصه‌های ارزشمند این شرح حال است که ضمن آموزش علائم بالینی، تأکید به شناخت عوارض دارو و پیش‌نیاز تجویز آن می‌نماید. در ادامه سه روز از درمان را با تفصیل گیاهان دارویی توصیف می‌کند.

درمان در مرحله نخست با نوشتن شرح بیماری و مشکلات بیمار از زبان خود او و با ادبیات بیمار انجام می‌شد. این نکته‌ای است که امروز نیز باید بسیار مورد توجه پزشک قرار بگیرد. در واقع وقتی بیمار شکایت خود را به زبان خویش بیان می‌کند و آن حسی را اظهار می‌کند که بیماری در او ایجاد کرده ممکن است این حس بسیار متفاوت‌تر از آن چیزی باشد که پزشک گمان کرده پس گاهی بیان بیمار از یک مشکل چیزی متفاوت از بیمار دیگر است که این موضوع خود در عرصه تشخیص و درمان در طب سنتی نکته ارزشمندی است و ممکن است موجب تفاوت در انتخاب دارو و شدت اثر آن یا همان درجه دارو شود.

نکته دیگری که در این یادداشت‌های مکرر در سیر بیماری به چشم می‌خورد نوع درمان براساس علت اصلی بیماری است و درمان علامتی کمتر دیده می‌شود. در واقع مبنای طب سنتی به‌عنوان طب کل‌نگر و توجه به علت اصلی تظاهرات بیماری در سبک طبابت دکتر عبدالله خان شاخصه مهمی است.

تسلط ایشان به طب غربی و تسلط به داروهای رایج آن زمان و انتخاب این داروها در کنار درمان گیاهی یا حتی در بسیاری موارد انجام درمان به‌روز برای بیمار و انتخاب گیاه دارویی بعد از شکست درمان طب رایج شاخصه دیگری است. به این ترتیب ایشان بسیاری از بیماران رنجور از ویزیت‌های پیاپی پزشکان دیگر و بیمارانی که از درمان پاسخ نگرفته بودند، را در مطب خود و به سبک خود به درمانی تلفیقی (در دست‌نوشته‌هایش، هم به نام حکمای طب سنتی اشاره می‌کند هم به مراجع طب رایج) می‌سپرد (۶)، کما اینکه امروز نیز در دانشکده‌های طب سنتی بسیاری از بیماران خسته از عود بیماری یا ناامید از اثربخشی داروهای رایج به درمان به شیوه سنتی روی می‌آورند.

بیماران دکتر عبدالله خان همه طبقات اجتماعی روزگار خود را شامل می‌شدند. فقیر و ثروتمند از درمان‌ها و سبک طبابت او به یکسان سود می‌بردند. نکته‌ای که امروز باید مورد توجه قرار گیرد بار مالی درمان گیاهی است که هزینه روزافزون نباید اکثر افراد جامعه را از این درمان‌ها محروم کند.

شرح حال بیمار شماره دو:

«یک عطار با سابقه مداومت مصرف دو ماه خوراکی های گرم، سپس مصرف یک مثقال سنای دم کرده که به دنبال آن دچار سوزش مجرای ادراری شده، ادرار چکه چکه شده است. او اقدام به میل نمودن مفرده های سرد به مدت سه یا چهار روز کرده است و حال دچار سستی مجاری ادراری و بی اختیاری ادرار شده است.»

دکتر عبدالله خان این شکایت بیماری را از زبان بیمار نوشته است، سپس بیمار را این طور توصیف می کند: «بیمار سوزش و درد فراوانی داشت و نمی توانست بنشیند و مرتب به دور خودش می پیچید. ادرار چکه چکه می آمد. پروستات بزرگ و متورم بود. برای درمان تخم خیار، تخم خربزه، تخم کدو شیرین، خشخاش شروع کردم. در عرض چند روز درد و علائم بیماری برطرف شد.»

شرح حال بیمار شماره سه:

«فردی میان قد، با رنگ گندمی و برافروخته گاهی دچار دوار، زمانی کمردرد، گاهی زانودرد، گاه گرفته و غمگین که به فکر فرو می رفت و از کار زود خسته می شد. فشارخون پیدا کرده بود، گاهی به هنگام راه رفتن از درد پا شاکی بود، چند قدمی می لنگید و خوب می شد. قوای فکری، عصبی و جنسی وی بسیار آشفته بود. با خوردن غذا و ادویه گرم مشکلات او زیادتر می شد. در اعقاب وی سابقه نقرس و روماتیسم دیده می شد. انواع معالجات طب رایج انجام شده بود و نتیجه بخش نبود. علت را تبلی کبد و مسمومیت تشخیص دادم. برای درمان از دستور رازی در درمان صداع گرم استفاده کرده، روزی دو مثقال تخم گشنیز را کوبیده در ۵ سیر آب غوره آمیخته، طبق دستور بدهند و حال بیمار بهتر شد.»

توجه دکتر احمدیه به مزاج جبلی بیمار، سوء مزاج ایجاد شده و نقش حرارت در ایجاد بیماری و نگرشی همه جانبه به کلمه مسمومیت در این مورد جالب توجه است.

شرح حال بیمار شماره چهار:

«آقای ۶۰ ساله ساکن رشت به هنگام اقامه نماز جماعت در یک شب سرد زمستانی در مسجد سرما خورده بود. در

بازگشت به منزل با هوای بارانی مواجه شد و برای شام ماست و اسفناج صرف کرده است. صبح که بیدار شد متوجه گشت نیمی از بدنش سنگین و تنبل شده و تحت فرمان او نیست. فلج ناقص شده بود. ادرار وی بی اختیار و چکه چکه می آمد. زیر نظر پزشکان بود تا ۱۴ ماه، سپس به تهران آمد و به من مراجعه کرد. در معاینه نیمی از بدن سست و نافرمان بود، دردهای مفصلی مشاهده شد. درمان طب رایج کامل بود پس به سبک طب سنتی افزایش سردی را تشخیص گذاشته، درمان را شروع کردم.

به این ترتیب برگ اکالیپتوس، مرزنجوش و بوزیدان دادم که همه گرم بودند تا سه روز. حال بیمار بهتر شد، سپس اسطوخودوس، ریشه ایرسا، بوزیدان، مرزنجوش، قرص بتاکسین و واسپریم دادم. روز دهم جریان ادرار طبیعی شد و ...»

دکتر احمدیه از کنار هم گذاشتن اجناس ده گانه، علت اصلی بیماری را در کنار علم خود در طب رایج و شناخت داروها نهاده است و بدون جانبداری بیان می کند که درمان طب رایج کامل بود و درمان با رویکرد طب سنتی به این ترتیب برایش شروع شد. این نحوه نگرش خاص بدون قضاوت درباره کاستی های هر دو نگرش موجب شده است که دکتر احمدیه از علمی تلفیقی با کارایی تمام عیار برخوردار باشد.

شرح حال بیمار شماره پنج:

«در تاریخ ۱۳۳۱/۱۱/۰۵ جوانی ۱۸ ساله به کمک دیگران با شکایت درد مفاصل به مطب آمد. در ۷ سالگی به دیفتری مبتلا شده بود. در زمستان ۱۳۲۹ش قوزک پاها و مچ دستان وی متورم شده، دردناک بود و صبح ها تا مدتی قادر به حرکت نبود. به من مراجعه کرده بود که با قطره تعفین ید و یدور پتاسیم بیماری برطرف شده بود و اندک ورمی در قوزک به جای مانده بود. امسال تابستان به بیلاق رفته بود و شنا کرده بود و ورم قوزک پاها برگشته و دردناک شده بود و به تدریج مفاصل انگشتان نیز متورم و دردناک بود. در معاینه زبان بار سفیدرنگ که به زردی می زد داشت. جوان از درد ناراحت بود، خواب نداشت و اجابت مزاج درستی نداشت. بندهای

پمادی که پزشکان بیمه شرکت مزبور تجویز نموده بودند بهتر شده است، ولی پای راست ورم کرده است و سرگیجه و کشیدگی دل به علائم او اضافه شده است. در نقاط دیگر بدن مانند صورت، لرزش پدیدار شده است. ناچار سه روز بستری شده با گذاشتن کیسه یخ روی شکم، عارضه تشدید یافته است. همه اعضا به جنبش درآمده بودند و تشنج شکم شدت گرفته بوده که به آسایشگاه عصبی ارجاع شده بود.

در معاینه، حرکات تشنجی بسیار زیاد بود. اگر بازو را نگه می‌داشتی، شانه به تحرک درمی‌آمد. پنجه‌ها و نیز سایر اعضا به تشنج درآمده بودند. معلوم شد در تابستان در استخر زیاد شنا می‌کرده است و در خوردن خوراکی‌های رطوبی مانند خیار زیاد روی شده و مزاج وی نیز به واسطه تشنج خوب کار نمی‌کرده است. صدای قلب غیرطبیعی شده بود و پیش داشت. یدور پتاسیم، آمپول Betaxine Forte و نیز Reyagar برای لیت مزاج تجویز شد. همچنین جوشانده‌ای از بابونه، اسطوخودوس و زنیان تجویز شد. در تاریخ ۱۳۲۹/۰۷/۰۲ علائم بیماری آرام گشت ولی رفلکس کرامستر بازنگشته بود پس حب ماسک رازی را تجویز کردم. همچنین سنبل‌الطیب، گل‌گاوزبان، بادرنجبویه و لیموعمانی تجویز شد سپس آمپول تاکسین قوی و قرص کلسی‌پد و جوشانده‌ای مرکب از بابونه، ریشه ابرسا، بادرنجبویه و سفایح تجویز شد» (۴، ۷).

بحث:

دکتر عبدالله خان در زمانه‌ای می‌زیست که طب رایج همه‌گیر شده و به سبب رواج خرافه از زمان قاجاریه، تحصیل‌کردگان از طب سنتی روی‌گردان بودند. شاخصه تفکر او تحلیل عمیق طب سنتی و اعتقاد به آن در کنار تسلط به طب رایج است آن‌چنان که در درمان به طب تلفیقی می‌پردازد. در واقع در دهه انتهای قرن سیزدهم هجری خورشیدی و سه دهه نخست قرن حاضر تفکر طب تلفیقی از دل مطالعات وی شکل می‌گیرد. او طب را صرفاً هنری برای تشخیص و درمان آلام بیمار و بیماری دانسته و به دور از تعصب، هم‌زمان از کتاب‌ها و علم روز و قدیم بهره‌جسته است. آنچه امروز ما به‌شدت به آن محتاجیم خودباوری و همتی است که طب سنتی

انگشتانش متورم و نبض متلاطم بود. مجدد قطره یدور پتاسیم را تجویز کردم. برای لیت مزاج روغن بادام شیرین ۱۲ مثقال و جوشانده‌ای از اگیر ترکی، بابونه و ریشه ابرسا دادم تا اعصاب را تقویت کند و دفع سودا نماید. یک جعبه نیز آمپول Benerva تجویز شد».

دکتر احمدیه در ثبت این بیماری با توجه به نقش رطوبت و چینش درمان، باز هم درمان سنتی را در کنار درمان طب رایج قرار داده است و تسلط خود به هر دو نگرش درمانی را اثبات کرده است.

دکتر احمدیه بیمار دیگری را به این ترتیب شرح داده است: «۱۳۳۱/۱۱/۰۸ هراسان و گریان به دنبال من آمدند که تب دارد و بدحال است. به عیادت وی در منزل رفتم. شدت یافتن ورم مفاصل و تب را در بالین وی دیدم و تشخیص حصبه همراه روماتیسم گذاشتم. طبیعت مفاصل سرد است. غذای سرد و تر سست و ناتوانشان می‌کند و بر شدت درد و ورم می‌افزاید از طرفی مایعات سرد و تر برای تسکین حرارت بدن به‌خصوص کبد در بیماری حصبه لازم است پس فلوس را لازم دیدم به همراه ترنجبین، گل سرخ، سنا مکی، عناب و سیستان، تمرهندی، روغن بادام شیرین تجویز کردم».

شرح حال بیمار شماره شش:

«آقای جواد ۲۲ ساله، اهل تبریز به‌علت داء الرقص (هاتینگتون)، به مطب آمد. مادر وی در ایام دوشیزگی دچار ورم مفاصل شده بود و مجدد به وقت شیردهی یکی از فرزندان خود، مبتلا شده است که درمان شده و بعدها جواد را به دنیا آورده است. جواد در دوران کودکی بارها تب کرده که به نظر می‌رسیده گریپ و سرماخوردگی بوده است.

او در ظاهر جوان تنومند با موهای گندمی و طبیعتی رطوبی بود. در معاینه تشخیص داء الرقص گذاشته شد. منتهی حرکات چشم‌ها، صورت و دست‌ها مانع تحقیق بیشتر بود. رفلکس کرامسترین از دست رفته بود.

در مورد پیشینه بیماری بیان می‌کرد که روزی به امامزاده داوود رفته بوده و در نتیجه خستگی دچار ورم قوزک پای راست شده است. چون کارگر شرکت سنتاب بوده با استفاده از

ایشان به نوعی خاص از درمان طب تلفیقی متکی بر پایه‌های زیر است:

الف. طب کل‌نگر و توجه به همه اعضا در تحلیل رخداد بیماری در یک عضو

آنچه طب سنتی را متمایز می‌نماید توجه به وضعیت عمومی بدن و اعضای اصلی است. در دست‌نوشته‌های به‌جامانده از دکتر عبدالله خان جملات زیر تفکر یک طبیب را در عرصه درمان به شکلی نهادینه نشان می‌دهد که البته در دانشکده طب سنتی نیز این تفکر بنیادین مورد توجه قرار گرفته است و باید بیش از پیش در کلینیک‌های طب سنتی مورد توجه قرار گیرد.

در بروز هر مرضی باید سه چیز در نظر گرفته شود: اول توجه به دستگاه گوارش و لنت مزاج؛ دوم رعایت اعصاب و حالات نفسانی؛ سوم مرض یا دردی که بروز کرده و مریض از آن شکایت دارد (۸، ۹).

ب. توجه به مزاج

آنچه در درمان‌های دکتر عبدالله خان به‌روشنی بیان شده است توجه ایشان به مزاج فرد بیمار است. کما اینکه در تمام شرح بیماری‌هایی که به قلم ایشان نوشته شده است توجه به خشکی یا تری بیمار و یا به سردی یا گرمی او -مزاجهای پایه گرم، سرد، خشک، تر، گرم و خشک، گرم و تر، سرد و خشک، سرد و تر (۱۰)- به‌روشنی اشاره شده است و در تصمیم‌گیری نامبرده و کشیدن نقشه درمان، اساسی بوده است.

ج. تسلط به علم طب روز و مطالعه بیماری در کتاب‌های طب سنتی

از دیگر شاخصه‌های ارزشمند مسیر درمان دکتر عبدالله خان توجه به علم روز و مطالعه کتاب‌های طب سنتی است. ایشان به‌وضوح در ترسیم نقشه درمان اشاره می‌کند که «درمان‌های روز دنیا روی بیمار انجام شده بود و در کتاب *الحاوی*» رازی در خصوص آن خواندم و نتیجه تحقیق را برای بیمار روزه‌روز اجرا کردم». در واقع ایشان هم از درمان طب رایج براساس آخرین منابع طب رایج، و هم از درمان طب

را دقیق موشکافی و با شناخت مزاج مردمان اقلیم خود آن‌ها را درمان کنیم و طب و داروهای رایج را نیز عالمانه بشناسیم و در کنار هم از تجویز آن سود ببریم.

آنچه روشن است رویکرد تلفیقی دکتر عبدالله خان به شناخت و درمان بیمار و بیماری است که ایشان را سرآمد پزشکان داخلی زمان خود می‌کند و چه‌بسا در درمان عوارض جراحی و زخم‌ها نیز او را یک پله از سایرین بالاتر نگه داشته است.

در انتهای کتاب «درمان روماتیسم، نقرس و سیاتیک» دکتر عبدالله خان نتیجه‌گیری کرده است: «ماده معروف به باد مفاصل معمولاً گرایش به قلب و مفاصل بدن دارد. گاه با حمله به دیگر اعضا و احشا در آن نقاط متمرکز شده و ایجاد عوارض گوناگون می‌کند. در روماتیسم به‌ویژه در نوع مزمن آن رعایت لنت مزاج، تقویت کبد و کلیه‌ها درجه نخست اهمیت را دارد. توجه به فعالیت غدد درون‌ریز لازم است. توجه به شرح‌حال خانوادگی و دودمان فرد و ابتلای آن‌ها به ورم مزمن روده و یبوست کهنه ارزشمند است. در این بیماران ضمن درمان یبوست باید رعایت طبیعت مفصل نیز بشود. داروها مناسب طبیعت مفصل باشد تا نتیجه بهتری حاصل شود. انواع هلیله به‌خصوص به شکل معجون در این افراد خوب اثر می‌کند. بازماندگان افراد مبتلا به نقرس به شکل ارثی کبد ضعیف و تنبل دارند. خون این افراد را باید به آب گل‌آلود تشبیه نمود که به‌واسطه اسید اوریک، اورات دوسود و آگزالات سمیت دارد. صرف غذای لذیذ و نامتناسب میزان این مواد را افزایش داده و سموم روی اعضا و احشا اثر می‌گذارد و نتیجه آن بروز عوارض گوناگونی نظیر شوریدگی مغز، اختلالات روانی و عصبی، دردهای عصبی، بیماری‌های ریوی همچون آسم، حملات عصبی قلب، امراض جلدی، بواسیر، واریس، سنگ کلیه و مثانه و رسوبات بدن خواهد بود» (۷). این خطوط باز هم بر دیدگاه تلفیقی دکتر صحه می‌گذارد که در تلفیق دو طب می‌اندیشیده است. آنچه از لابه‌لای این خطوط یعنی دست‌نوشته‌های دکتر عبدالله خان به چشم می‌خورد توجه

سنتی براساس مطالعه بیماری در منبع معتبر در دسترس طب سنتی استفاده کرده است.

د. توجه ویژه دکتر عبدالله خان به اجابت مزاج و اصل احتباس و استفراغ (۱۱)

توجه به این نکته در تمامی موارد درمان شده به چشم می‌خورد تا جایی که برقراری جریان طبیعی ادرار و دفع مدفوع در چند روز نخست درمان شاید هدف اولیه درمان‌های وی محسوب شده است.

ه. تسلط ایشان به داروهای طب رایج و طب روز دنیا یا طب شیمیایی در کنار تسلط به گیاهان دارویی و درمان با هر دو راه براساس اولویت‌های ذهن ایشان توجه به این موارد در طراحی نقشه درمان شاخصه ارزشمند دیگری است که باید مورد توجه متخصصان طب سنتی قرار گیرد تا آنان نیز به علم روز طب رایج مزین باشند.

و. تسلط ایشان به اعمال یدوای همچون بادکش، حجامت، فصد و زالو در کنار جراحی‌های کوچک، تزریق سرم و دارو مهارت و تسلط ایشان در این حوزه نیز شاخصه ارزشمند دیگری است که دکتر عبدالله خان را مجهز به دانشی تلفیقی و ارزشمند کرده است که به وقت نیاز سرم‌تراپی می‌کند و به وقت نیاز فصد و حجامت می‌نماید.

به‌طور کلی می‌توان علت موفقیت در درمان و ماندگاری نام دکتر احمدیه را علاوه بر مطالعات فراوان در دو حوزه طب رایج و طب سنتی به اجمال موارد زیر دانست:

شاخصه‌های عمومی دکتر احمدیه:

۱. نظم فراوان در پیاده‌سازی و نگارش شرح حال و وضعیت بیماران؛

۲. پیگیری منظم و مداوم بیماران؛

۳. صرف وقت کافی در ویزیت و پرهیز از تعجیل در

معاینه؛

۴. نگارش مشکل بیمار با ادبیات بیمار در بدو مراجعه؛

۵. احترام و توجه به بیمار بدون در نظرگرفتن طبقه اجتماعی.

شاخصه‌های اختصاصی دکتر احمدیه:

۱. توجه دقیق به حالات چهره، زبان و گوارش بیمار؛

۲. توجه به مزاج؛

۳. درمان براساس علت اصلی نه درمان علامتی؛

۴. تسلط کافی به طب رایج و طب سنتی؛

۵. استفاده از طب رایج و طب سنتی در تلفیق با یکدیگر

در درمان با توجه به نوع بیماری؛

۶. پرهیز از افراط و تفریط و تعصب‌های بی‌مورد در نوع انتخاب درمان.

نتیجه‌گیری:

یادداشت‌های بارزش دکتر احمدیه فقط یک یادداشت روزانه سیر بیماری نیست، بلکه یک تفکر بنیادین را به عرصه ظهور رسانده است که طب تلفیقی را در انتهای قرن گذشته خورشیدی و ابتدای قرن حاضر خورشیدی به رخ کشیده است. طب تلفیقی که طی دو دهه اخیر در مناطقی از دنیا طلوع کرده است و همچنان در کشاکش پذیرفته شدن و نشدن است، حدود یک قرن پیش در یک مطب خصوصی در مرکز شهر تهران، انقلابی را رقم زده است که چراغش با خاموشی استاد خاموش شده تا دوباره در دانشکده‌های طب سنتی در میانه دهه هشتاد قرن حاضر جلوه‌گر شود.

توجه به ارزش‌های مورد نظر دکتر عبدالله خان، روش ایشان در تلفیق استادانه دو طب بدون تعصب نسبت به یکی یا نادیده‌گرفتن دیگری در کنار تسلط علمی ایشان به منابع طب روز و مطالعه منابع طب سنتی در خصوص بیمار و بیماری در تربیت متخصصان امروزی در علم طب ضروری است. چنانکه به‌نظر می‌رسد در دنیای فردا، طب تلفیقی پیشگام خواهد بود.

References:

1. Yavari M, Keshavarz M. Treatment of paralysis based on the Iranian traditional medicine concepts: An overview on Dr. Abdollah Ahmadih case reports. *Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine*. 2017 Mar 10;7(4):439-50.
2. Akhtari E. Comparison of Avicenna's views with WHO recommendation in labor progress. *Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*. 2016;19(34):26-30.
3. Akhtari E, Bioos S, Sohrabvand F. Infertility in Iranian traditional medicine from Hakim Mohammad Azam Khan point of view. *Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*. 2015;18(148):18-23.
4. Ahmadih A. *Raze-e Darman*. Tehran: Eghbal Press; 2007. Vol.1. [In Persian].
5. Zohalinezhad ME, Keshavarz M; Method of Dr. Ahmadih in history taking from patients. *Medical History Journal*. 2013 5(14):177-188
6. Ahmadih A. *Raze-e Darman*. Tehran: Eghbal Press; 2007. Vol.2. [In Persian].
7. Ahmadih A. Management of Rheumatism, gout and sciatica. Tehran: Eghbal Press; 1994. [In Persian].
8. Naseri M, Ahmadi Nayeri S, Pourasad F, *et al*. Collection of works by Dr. Seyed Jalal Mostafavi Kashani. Tehran: Nashr-e Shahr; 2008. Vol.2. [In Persian].
9. Naseri N, Eghbalian F, Ghaffari F, Asghari M, Haydari R. Professor Abdullah khan Ahmadih revivalist of Iranian clinical traditional medicine. *Medical History Journal*. 2014;5(15):53-73.
10. Aqili Alavi Shirazi SMH. *Khulasat al-Hikmah*. Ed by Nazem I. Qom: Ismailian Publications; 2006. Vol.1. [In Persian].
11. Akhtari E. Pregnancy termination from ancient Persia till present time. *Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*. 2017;19(40):1-5.